



Typology of Recitations Transmitted from Asim by Aban bin Taghlib and Its Contrast with Hafs's Reading *

Meysam Kohan Torabi¹

Abstract



Aban bin Taghlib, a prominent scholar, lexicographer, and renowned reciter of Shia Islam in the 2nd century Hijri, possessed a distinctive recitation style and even authored a book titled "Al-Qira'at." His role and the recitations transmitted from him are not obscure in comprehending and interpreting the Quran. He presented his recitation in the lineage of distinguished reciters like Asim and was a transmitter of their recitations. The prevalent recitation known as Hafs's recitation originates from Asim, and Aban also transmitted his recitation from Asim. The extent to which Aban's transmitted readings were what he heard from Asim is uncertain. However, in interpretative texts and when transmitting various recitations, it has been explicitly stated in some instances that Aban transmitted this particular recitation from Asim. The current research, through scrutiny of Shia and Sunni sources, has meticulously gathered these instances. It firstly addresses cases where Aban explicitly narrated this recitation from Asim and secondly explores the differences between the transmitted recitation and Hafs's recitation. Considering Aban's direct transmission from Asim, from whom the famous recitation reaches him through Hafs today, examining the discrepancies in Aban's and Asim's transmissions could significantly assist in understanding and interpreting the Quranic verses. Aside from one case, this study primarily delves into the differences in the structure of words in two categories: verbs and nouns, each briefly listed with their semantic disparities.

Keywords: Aban bin Taghlib, Asim, Hafs, Disparities in Recitations.

*. **Date of receiving:** 24/07/2022, **Date of approval:** 29/10/2023.

1. Assistant Professor at University of Bozorgmehr, Qaenat, Iran: kohantorabi@buqaen.ac.ir .



گونه‌شناسی قرائات منقول از عاصم توسط ابان بن تغلب و تفاوت آن با قرائت حفص *

میثم کهن ترابی^۱



چکیده

ابان بن تغلب که یکی از محدثان، لغت‌شناسان و قاریان مشهور شیعه در قرن دوم هجری به شمار می‌آید، قرائتی مخصوص به خود داشته و حتی کتابی با عنوان القرائات تألیف کرده بود. نقش او و قرائات منقول از او در فهم و تفسیر قرآن برکسی پوشیده نیست. او قرائت خویش را بر قراء بزرگی چون عاصم عرضه کرده و ناقل قرائت آنها نیز بوده است. قرائت رایج قرائت حفص از عاصم است و ابان نیز قرائت خود را از عاصم داشته است. اینکه چه مقدار از قرائاتی که ابان نقل کرده، قرائتی است که از عاصم شنیده است، مشخص نیست، لکن در کتب تفسیری و به هنگام نقل قرائات مختلف، در برخی موارد تصریح شده که ابان قرائت این واژه را از عاصم نقل کرده است. پژوهش حاضر، با تتبع در منابع شیعه و سنی این موارد را احصا کرده است. مواردی که اولاً تصریح شده که ابان این قرائت را از عاصم نقل کرده و ثانیاً قرائت نقل شده با قرائت حفص، تفاوت دارد. با عنایت به نقل بی‌واسطه ابان از عاصم که قرائت مشهور امروز، از طریق حفص به او می‌رسد، بررسی تفاوت‌های نقل ابان و عاصم می‌تواند در فهم و تفسیر آیات راهگشا باشد. آنچه در این پژوهش احصا شده به جز یک مورد، مربوط به تفاوت در ساختمان واژه در دو بخش افعال و اسامی است که به صورت مجزا فهرست و تفاوت معنایی آن مختصراً بیان شده است.

واژگان کلیدی: ابان بن تغلب، عاصم، حفص، اختلاف قرائات.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹.

۱. استادیار دانشگاه بزرگمهر، قانات، ایران: kohantorabi@buqaen.ac.ir.



مقدمه

یکی از ارکان مهمی که در دانش قرائت قرآن همواره مدنظر قرائت‌پژوهان بوده، قاریان و ناقلان قرائات قرآنی هستند. دو نفر از برجسته‌ترین این قاریان، عاصم بن ابی النجود و حفص بن سلیمان هستند که ناقل مشهورترین قرائت قرآن در جهان اسلام تاکنون به شمار می‌آیند. قرائتی که امروزه اکثر مسلمانان بدان ملتزم هستند، قرائت حفص از عاصم است. دیگر شخصیت مبرز در دانش قرائت، ابان بن تغلب است. او قرائت خویش را بر قاریانی از جمله عاصم عرضه داشته‌است. در کتب متعددی که در موضوع قرائت قرآن نوشته شده و همچنین در تفاسیر فریقین، گزارش‌هایی از این قرائت به دست ما رسیده است. این گزارش‌ها طریق دیگری است که ما را به قرائت عاصم می‌رساند. توضیح بیشتر اینکه اعتبار قرائت حفص، علاوه بر شخصیت خود حفص به عاصم و همچنین استادش ابوعبدالرحمان سلمی برمی‌گردد که قرائت خویش را از علی (علیه السلام) اخذ کرده است. این مطلب را ابن جزری از خود حفص نقل کرده که عاصم به من گفت: قرائتی را که به تو آموختم همان قرائتی است که از ابوعبدالرحمان سلمی اخذ کردم و او عیناً از علی (علیه السلام) فراگرفته‌است (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۳۴۸/۱). با این وصف، بررسی قرائت ابان از عاصم از دو جهت حائز اهمیت و اعتناست؛ اول شخصیت خود ابان است که هم در میان شیعه و هم اهل سنت مورد وثوق است (در قسمت شخصیت‌شناسی ابان بن تغلب به این مطلب پرداخته شده‌است) و نقل او از اهمیت روایی برخوردار است و هم اینکه طریقه‌ای دیگر است به قرائت عاصم که از بهترین قرائات است. به همین سبب، مسئله پژوهش حاضر متمرکز بر این پرسش است که قرائت ابان بن تغلب از عاصم با قرائت حفص بن سلیمان از عاصم چه تفاوت‌هایی دارد؟ و این تفاوت‌ها از چه نوعی است؟

پیرامون قرائات ابان بن تغلب، در کتاب ارزشمند میراث قرآنی ابان بن تغلب نوشته محمدحسین مدنی که در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات دارالحدیث منتشر شده مطالب مفصّلی نقل شده و حتی در انتهای کتاب، کل قرائات منقول از او فهرست شده‌است، لکن پژوهشی مستقل که صرفاً قرائات ابان که منقول از عاصم و متفاوت از قرائت حفص باشد را به صورت مستوفی مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده‌است. لازم به ذکر است ابان بن تغلب از دیگرانی چون ابوعمر و شیبانی و طلحه نقل قرائت کرده است، اما در این پژوهش صرفاً قرائاتی مدنظر قرار گرفته که در متن منابع مورد استفاده تصریح شده‌است که ابان این قرائت را از عاصم نقل کرده‌است؛ چه اینکه قرائات خود ابان بن تغلب از تعداد احصاء شده در این پژوهش بسیار بیشتر است. حتی مواردی که قرائت عاصم و ابان یکی بوده نیز در این

پژوهش مورد استفاده قرار نگرفته است چون امکان نقل لبان از دیگران وجود داشته است. در این پژوهش/ارفاً قرائاتی از ابان به نقل از عاصم ذکر شده که با قرائت حفص از عاصم متفاوت بوده است. نکته آخر اینکه با توجه به نقل برخی از این قرائات در منابع متعدد، تلاش بر آن بوده که به منبع متقدم ارجاع و از ذکر منابع پس از آن پرهیز شود.

الف. مفاهیم و شخصیت‌ها

در این قسمت به مفهوم‌شناسی مفاهیم کلیدی و معرفی مختصر شخصیت‌هایی که شناخت آنها در ایصال به هدف مقاله کمک می‌کند، پرداخته می‌شود.

علم قرائت و مقوله اختلاف قرائات

قرائت در لغت از ریشه «ق ر أ» و به معنای جمع کردن، خواندن و ضمیمه کردن است (قرشی، ۱۳۸۶: ۲۶۰/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۱۲۸). تعاریف مختلفی از این علم ارائه شده است. چنانکه زرکشی این علم را این گونه تعریف نموده است: «قرائات عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آنها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۳۱۸) و یا تعریفی که علامه طباطبائی ارائه داده است: «فنی است که به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت گانه معروف و قرائت‌های سه گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد» (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) که از جمله کامل‌ترین آنها این تعریف است: «قرائت علمی است که توسط آن اتفاق نقل‌کنندگان کتاب خدا و همچنین اختلافشان در حذف و یا ثبوت، حرکت یا سکون، فعل یا وصل و غیر آن دانسته می‌شود» (بنا، ۱۴۰۷: ۵).

البته بر این تعریف نقدهایی وارد است و گاه تکمله‌ای بر آن افزوده شده که ذکر آن در این مجال ضرورت ندارد و برخی دانشمندان به صورت مفصل به آن پرداخته‌اند (مصلح القضاء، ۱۴۲۲: ۴۷-۴۸). برای این علم مراحل و تطوراتی نیز ذکر شده است چنانکه عبدالهادی فضلی شانزده مرحله را در شکل‌گیری این علم مؤثر دانسته و به تفصیل در مورد آن سخن گفته است که مراحل ابتدایی آن در عصر حضور پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفته و نهایتاً به تسبیح قرائات توسط ابن مجاهد، احتجاج پیرامون جوانب لغوی صوتی صرفی و نحوی قرائت‌های گوناگون، تثمین و تفسیر قرائات و به‌کارگیری ضوابطی خاص در تفاوت قرائات صحیح و غیر صحیح ختم می‌شود (ر.ک: فضلی، ۱۴۰۵: ۱۳ - ۵۴).



۱. ابان بن تغلب

لبان بن تغلب؛ ابوسعید بن رباح بکری جُریری کُندی رَبَعی کوفی (م ۱۴۱ق) از مشهورترین فقها، محدثین، مفسرین و قاریان شیعه به‌شمار می‌آید که محضر اصحاب امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را درک، از این سه امام نقل حدیث کرده و در نزد آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۶۵). او به کثرت حدیث از امام صادق علیه السلام مشهور بود به‌گونه‌ای که نقل شده سی هزار حدیث از ایشان روایت کرده است (حلی، ۱۴۱۱: ۹-۱۰). به همین سبب برخی ابان را سرزنش می‌کردند. خود او نقل می‌کند در پاسخ به کسانی که مرا به خاطر کثرت روایت از جعفر بن محمد سرنش می‌کردند گفتم: چگونه مرا در روایت کردن از شخصیتی ملامت می‌کنید که درباره هرچه از او پرسیدم گفتم: پیامبر فرمود (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲-۱۳). امام صادق علیه السلام نیز به این گزارش صحه گذارده و به سلیم بن ابی حیه فرمود: به سراغ ابان برو چون او از من حدیث بسیاری شنیده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۳). امام باقر علیه السلام از ابان بن تغلب خواسته بود در مسجد بنشیند و برای مردم فتوا بدهد. نقل شده که وقتی وارد مدینه می‌شد، دیگر حلقه‌های درس تعطیل شده و جایگاه پیامبر به هنگام خطابه به او داده می‌شد. وی فقیه و لغت‌شناسی بزرگ بود که تسلط خوبی بر لغت عرب داشت و کتابی هم در مورد واژه‌های دشوار قرآن تألیف کرده و در آن به شواهدی از اشعار عرب استناد کرده بود. شیخ طوسی می‌گوید: ابان قرائتی مخصوص به خود داشت و از قول محمد بن موسی بن مریم نقل می‌کند که قرائت را از ابان بن تغلب شنیده‌ام و توانا تر از او قاری نیافتم (طوسی، ۱۴۱۷: ۷). ابان دارای قرائتی مستقل و مشهور نزد قاریان بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱) وی قرائت خود را بر عاصم و ابو عمر شیبانی و طلحة بن مصرف و اعمش قرائت کرده و یکی از سه نفری است که کل قرآن را بر اعمش قرائت کرده بود (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۱۱/۱). اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اهل سنت نیز وثاقت او را تأیید کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲: ۲۹۷/۱). البته برخی به جهت مذهبش ابان بن تغلب را مذمت کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۰۶: ۱۵/۱). لکن ذهبی آن را سوء تفاهم دانسته و رد کرده است (ذهبی، ۱۹۶۳: ۶۵/۱). او کتابی به نام «القرائات» نیز داشته (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۲۶۷) که مفقود شده و اکنون در دسترس نیست. با عنایت به قرائات نقل شده از وی در کتب قرائات و تفسیر، این کتاب بازیابی شده است. برای قرائت او ویژگی‌هایی بر شمرده‌اند و تحلیل‌هایی نیز ارائه شده است که ذکر تمامی آنها در این مجال نمی‌گنجد.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر: ر.ک: مدنی، ۱۳۹۴: ۲۴۶-۲۵۷؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۳۴۳/۱-۳۴۶.

۲. عاصم بن ابی النجود

عاصم بن ابی النجود بهدله کوفی (م ۱۲۷ق) از جمله تابعین و یکی از قراء سبعة است. او علاوه بر زر بن حبیش، ابوعمرو شیبانی، قرائت خود را از ابوعبدالرحمان سلمی آموخته است که ناقل قرائت علی علیه السلام بوده است. از عاصم نقل شده که هیچ کس جز ابوعبدالرحمان قرآن را به من نیاموخت و من هرگز از قرائت او تخطی نکردم (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۴۸/۱). او پس از درگذشت استادش، قاری کوفه شد (ذهبی، ۱۴۲۷: ۲۵۶/۵). دانشمندان شیعه و سنی فراوانی از جمله قرائت او را بهترین و فصیح ترین قرائات برشمرده اند. ابن جزری قرائت او را افصح القرائات توصیف می کند (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۷۵/۱). احمد بن حنبل در پاسخ به پرسش پسرش تصریح می کند که عاصم مورد وثوق است و من قرائت او را برگزیده ام (ذهبی، ۱۹۶۳: ۳۵۸/۲). قرلنت او قرائتی مشهور و شناخته شده بود؛ چنانکه ابن خلکان می گوید قرائت عاصم مورد توجه همگان و زبانزد بود (ابن خلکان، بی تا، ۹/۳). از همین رو نقل است که قرائت او را به عنوان قرائت مرسوم با رنگ سیاه و دیگر قرائت ها را با رنگ دیگری می نوشتند که با قرائت عاصم اشتباه نشود (خوانساری، ۱۳۹۰: ۴/۵).

۳. حفص بن سلیمان

حفص، ابوعمرو حفص بن سلیمان اسدی غاضری (م ۱۹۰ق) فرزند همسر عاصم بود و در خانه او رشد کرد و از او قرائت قرآن را آموخت. او به جهت درک طولانی و مستمر عاصم، دقیق ترین قرائت را از او نقل کرده است. گفته اند میان قرائت او و قرائت عاصم صرفاً یک اختلاف و مربوط به قرائت واژه «ضعف» در آیه ۵۴ سوره روم است که عاصم «ض» را به فتح و حفص به ضم خوانده است (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۲۵۴/۱). از طرف دیگر از آنجا که قرائت حفص، بر اصول و قواعد زبان عربی استوار است، قرلنت او را بر دیگر قاری قرلنت عاصم یعنی ابوبکر بن عیاش ترجیح داده اند (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۱۱۸۰/۳). او از اصحاب امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام بوده و سند قرائت او از طریق عاصم و ابوعبدالرحمان به علی علیه السلام می رسد. امروزه در بیشتر کشورهای اسلامی، قرآن را به قرائت حفص از عاصم تلاوت می کنند و غالب قرآن ها نیز بر اساس همین قرائت نوشته شده است.



ب. گونه‌های قرائت متفاوت ابان بن تغلب از عاصم

پس از بررسی قرائات منقول از عاصم به نقل از ابان بن تغلب، در قالب یک داوری کلی می‌توان گفت که قرائت او از عاصم با قرائت حفص از عاصم انطباق کلی دارد، لکن موارد اختلافی را که تعداد پرشماری هم نیستند، می‌توان به دو بخش کلی افعال و اسامی تقسیم کرد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. قرائات متفاوت با حفص در قالب افعال

اکثر قریب به اتفاق قرائات منقول از عاصم به نقل از ابان که با قرائت حفص متفاوت است، در قالب فعل هستند. گاه تفاوت قرائات موجود در افعال مربوط به معلوم و مجهول بودن فعل، گاه صیغه فعل و گاه ابواب افعال است و گاهی نیز دو مورد از موارد فوق الذکر در یک مصداق جمع می‌شود که در ادامه به بررسی این مصادیق با رعایت ترتیب سور قرآنی پرداخته می‌شود.

یک. تفاوت در صیغه و ذکر فاعل فعل

گاهی قرائتی که ابان از عاصم نقل می‌کند فعلی است که دو تفاوت با نقل حفص از عاصم دارد: یکی اینکه صیغه آن متفاوت است و دیگری اینکه در معلوم و مجهول بودن انطباق ندارد. این حالت در دو مورد اتفاق افتاده است.

۱. آیه ۵۸ سوره بقره: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». ابان قرأ «يُغْفَرُ» را به جای «نَغْفِرُ» از عاصم روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶۹/۱) که هم فعل معلوم تبدیل به مجهول شده و هم صیغه متکلم مع‌الغیر به صیغه غایب تغییر یافته است. بر این اساس ترجمه آیه این‌گونه خواهد بود: «و به یادآورید هنگامی که گفتیم وارد این قریه شوید و از نعمت‌های فراوان آن بخورید و از آن درس‌جده‌کنان وارد شوید و بگوئید خدایا گناهان ما را فرو ریز تا خطای شما آمرزیده شود و ما بر ثواب نیکوکاران خواهیم افزود».

۲. آیه ۱۹ سوره فصلت: «وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ». «یاد کن روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گردآوری شده و آنها را از حرکت باز می‌دارند». از ابان بن تغلب روایتی متفاوت با حفص از عاصم نقل شده است: فعل «نَحْشَرُ» به جای «يُحْشَرُ» (رسعنی، ۱۴۲۹: ۱۷/۷). در قرائت حفص، فعل، مفرد مذكر غایب به صورت مجهول است در حالی که در قرائت ابان، فعل متکلم مع‌الغیر به صورت معلوم آمده است. معنای عبارت این‌گونه خواهد بود: «یاد کن روزی را که دشمنان خدا را به سوی آتش می‌بریم و آنها را از حرکت باز می‌دارند».

دو. تفاوت در باب و معلوم و مجهول بودن

در دو مورد، قرئت ابان از عاصم از لحاظ باب فعل و معلوم و مجهول بودن با قرئت حفص از عاصم متفاوت است:

۱. آیه ۱۴۶ سوره آل عمران: «وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلٌ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ:» «و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگ کردند...». نقل شده که ابان به جای فعل «قاتل» از فعل «قُتِلَ» استفاده می‌کرد (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۳۲/۱). در این مصداق، باب مفاعله از ابواب ثلاثی مزید تبدیل به ثلاثی مجرد شده و فعل معلوم نیز مجهول شده است. بر این اساس می‌توان این ترجمه را برای عبارت فوق پیشنهاد داد: «و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی در کنار آنها کشته شدند...».

۲. آیه ۱۶ سوره حدید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ:» «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟» تفاوت قرئت ابان با حفص به نقل از عاصم در فعل «نَزَلَ» است که قرئت ابان به صورت «نُزِلَ» روایت شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۳۵/۴). در این قرائت علاوه بر اینکه فعل از ثلاثی مجرد به باب تفعیل ثلاثی مزید آمده مجهول هم شده و می‌توان عبارت فوق را این گونه ترجمه کرد: «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده خاشع گردد؟»

سه. تفاوت در معلوم و مجهول بودن

تعدادی از قرائات متفاوت ابان از عاصم نسبت به حفص مربوط به افعالی است که صرفاً تفاوت آنها مربوط به معلوم و مجهول بودن است که در ادامه به ترتیب سور قرآنی فهرست و بررسی می‌شود.

۱. آیه ۲۷۹ سوره بقره: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ:» «اگر چنین نمی‌کنید بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماست نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود». در قرائتی که از ابان نقل شده عبارت «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» به صورت «لَا تُظْلَمُونَ و لَا تَظْلِمُونَ» قرائت شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۷۱۶/۲). همانگونه که پیداست در این روایت ترتیب دو فعل معلوم و مجهول در قرئت حفص به مجهول و معلوم در قرئت ابان تغییر پیدا کرده است و تفاوتی در ترجمه به وجود نمی‌آید.



۲. آیه ۱۰ سوره نساء: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»: «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش می‌افتند». در قرائتی که از ابان نقل شده فعل «سَيَصْلَوْنَ» به صورت «سَيُصْلَوْنَ» ذکر شده است (فارسی، ۱۴۱۳: ۱۳۶/۳) و معنای آیه بر این اساس این گونه خواهد شد: «وبه زودی در شعله‌های آتش افکنده خواهند شد».

۳. آیه ۱۶۳ سوره اعراف: «وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاصِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا تَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ»: «و از آنها درباره شهری که در ساحل دریا بود بپرس زمانی که آنها در روزهای شنبه تجاوز و نافرمانی خدا می‌کردند همان هنگام که ماهیان‌شان در روز شنبه آشکار می‌شدند اما در غیر روز شنبه به سراغ آنها نمی‌آمدند». فعل «يَسْبِتُونَ» در قرائت حفص به صورت «يُسْبِتُونَ» در قرائت ابان تغییر پیدا کرده و به صورت مجهول ذکر شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶۳/۲). تفاوتی که در ترجمه ایجاد می‌شود این گونه است که به جای ترجمه «در غیر روز شنبه نمی‌آمدند» به «در غیر روز شنبه به سوی آنها فرستاده نمی‌شدند» و این کارکرد مجهول بیشتر به این نکته اشاره دارد که این نیامدن در غیر روز شنبه به فرمان الهی بوده است.

۴. آیه ۱۲ سوره انشقاق: «وَيُصَلَّى سَعِيرًا»: «در آتش سوزان می‌افتند». منقول است که ابان بن تغلب از عاصم قرائت مجهول این فعل یعنی «يُصَلَّى» را روایت کرده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/۵۸۸) به این معنا: «در آتش سوزان افکنده خواهند شد».

۵. آیات ۷ و ۸ سوره زلزال: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»: «هرکس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند و هرکس هموزن ذره‌ای کار شر انجام دهد آن را می‌بیند». در قرائت ابان از عاصم، دو فعل «یره» که در انتهای این دو آیه آمده به صورت مجهول «يُرّه» قرائت شده است (طوسی، بی‌تا، ۱۰/۳۹۲). بر این اساس ترجمه این آیات این گونه خواهد بود: هرکس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد، به او نشان داده می‌شود و هرکس هموزن ذره‌ای کار شر انجام دهد به او نشان داده می‌شود.

چهار. تفاوت در ابواب فعل

برخی از مصادیق قرائات متفاوت ابان از عاصم نسبت به حفص مربوط به تفاوتی است که در ابواب فعل وجود دارد:

۱. آیه ۲۰ سوره بقره: «يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ»: «برق، نزدیک است چشمانشان را برباید». در قرائتی که از ابان بن تغلب نقل شده، عاصم «يَخْطَفُ» را به صورت «يَخْطِفُ» قرائت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۴۱) همانگونه که پیداست تفاوت این دو قرائت صرفاً در تفاوت دو باب از ابواب ثلاثی مجرد است و از لحاظ معنایی تفاوتی بین این دو وجود ندارد.

۲. آیه ۵۱ سوره بقره: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً:» «به یاد آورید هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم». در قرائت منقول از ابان فعل «وَاَعَدْنَا» به صورت «وَعَدْنَا» روایت شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۶۴). تفاوت قرائت دوم این است که فعل به ثلاثی مجرد رفته است. در قرائت حفص فعل در باب مفاعله ثلاثی مزید است. در ترجمه این دو قرائت تفاوت چندانی وجود ندارد جز آنکه جنبه «مشارکت» که در وعده گذاری در باب مفاعله وجود دارد در ثلاثی مجرد نیست و این وعده گذاری در ثلاثی مجرد به صورت یک طرفه و از سمت خداوند مفهوم پیدا می کند.

۳. آیه ۱۵۲ سوره انعام «ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ:» «این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند تا پند بگیرید». نقل شده که ابان از عاصم قرئت با تخفیف و بدون تشدید فعل «تَذَكَّرُونَ» را به صورت «تَذَكَّرُونَ» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۹۳). فعل اول در باب تفعل از ثلاثی مزید و فعل دوم ثلاثی مجرد است.

۴. آیه ۱۶۰ سوره اعراف: «وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا:» «ما آنها را به ۱۲ گروه تقسیم کردیم». در قرائت ابان بن تغلب از عاصم فعل «قَطَّعْنَا» با تخفیف و به صورت «قَطَّعْنَاهُمْ» روایت شده است (طبرانی، ۲۰۰۸: ۳/۲۰۴). فعل از باب تفعیل ثلاثی مزید به ثلاثی مجرد رفته است.

۵. آیه ۵۸ سوره توبه: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ:» «و در میان آنها کسانی هستند که در تقسیم صدقات بر تو خرده می گیرند». ابان روایت کرده که عاصم فعل «يَلْمِزُ» را به صورت «يَلْمِزُ» قرائت می کرد (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۲۶۹). تفاوتی که بر اساس این قرائت ایجاد می شود انتقال فعل ثلاثی مجرد به باب افعال در ثلاثی مزید است.

۶. آیه ۱۶ سوره اسرا: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا:» «و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای مترفین آنجا بیان می داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آنها را به شدت در هم می کوبیم». در روایت ابان از عاصم، قرائت «أَمَرْنَا» به جای «أَمَرْنَا» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶/۳) از اهل بیت علیهم السلام نیز این قرئت نقل شده است. حرمان از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه روایت نموده است که ایشان فرمودند: «أَمَرْنَا» با تشدید «میم» است. تفسیر آن یعنی: «زیاد کردیم»^۱ و من آن را مخفف قرائت نمی کنم (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۸۴). ابن جنی نیز این قرائت را به امام باقر علیه السلام

۱. این معنا برای فعل «أمر» هم در ادبیات عرب کاربرد دارد (فراهِیدی، ۱۴۰۹: ۸/۲۹۶) و همچنین روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که در آن واژه مأموره به معنای کثرت و فراوانی آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۲۸).



نسبت داده است (ابن جنی، ۱۴۱۵: ۲/۱۶). در مورد معنای این فعل، نظرانی وجود دارد اما با توجه به روایتی که از امام باقر (ع) ذکر شد ما همان معنای «کثَرْنَا» یعنی زیاد کردیم را انتخاب می‌کنیم. مؤید این معنا، یکی از مهم‌ترین کارکردهای باب تفعیل می‌باشد که بیان کثرت است. براساس این قرائت ترجمه آیه این چنین خواهد بود: «و چون بخواهیم مجتمعی را هلاک کنیم اعیان و خوشگذران‌های آنها را فراوان می‌کنیم پس آنها در آن محیط فسق و رزند پس حکم قطعی ما درباره آنها تحقق یابد پس آنها را به سختی هلاک سازیم.» لازم به ذکر است برخی از اهل لغت شواهدی نیز بر این معنا ارائه کرده‌اند از جمله آیه «لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً إِمْرًا» (کهف: ۷۱) که گفته شده «إمراً» یعنی «کثیراً» (همان).

گروهی دیگر «آثرنا» را «امارت دادیم» «مسلط ساختیم» معنا نموده‌اند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۷/۷؛ سمرقندی، بی‌تا، ۲/۲۰۵). و معنای آیه این‌گونه می‌شود. «و چون بخواهیم مجتمعی را هلاک کنیم اعیان و خوشگذران‌های آنها را بر آنها مسلط کرده و حکومت می‌دهیم پس آنها در آن فسق و رزند پس حکم قطعی ما درباره آنها تحقق یابد پس آنها را به سختی هلاک کنیم.»

۷. آیه ۱۰۶ سوره اسراء: «وَقَوْلًا فَرَّقَانَهُ لِيَتَفَرَّقَ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَيَرْزُقْنَاهُ أَتَرِيلاً»: «و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ در مردم بخوانی و آن را بتدریج نازل کردیم». ابان از عاصم قرائت «فَرَّقَانَهُ» را به جای «فَرَّقَانَهُ» روایت کرده است (رسعی، ۱۴۲۹: ۲۳۲/۴). در قرائت حفص فعل «فرقناه» ثلاثی مجرد است، لکن در قرائت ابان بن تغلب، ثلاثی مزید و در باب تفعیل است که حاوی مفهوم مبالغه و تدریج بیشتری است.

۸. آیه ۶۳ سوره طه: «قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرًا زَائِرًا أَنْ يُخْرِجَاكَ مِنْ أَرْضِكَ بِسِحْرِهِمَا وَيُذْهِبَا بِطِرِيقَتِكَ الْمُتْلَى»: «و گفتند این دو نفر مسلماً ساحرند می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند». نقل شده که قرائت ابان از عاصم «يُذْهِبَا» به جای «يُذْهِبَا» بوده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶۵/۳) در قرائت حفص فعل ثلاثی مجرد و در قرائت ابان در باب افعال از ابواب ثلاثی مجرد است.

۹. آیه ۶۳ سوره قصص: «قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا أَغْوَيْنَا»: «گروهی که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است می‌گویند: پروردگارا ما اینها را گمراه کردیم، آری ما آنها را گمراه کردیم همان‌گونه که خودمان گمراه شدیم». از ابان بن تغلب قرائت «أَغْوَيْنَا» به جای «عَوَيْنَا» نقل شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۱۸/۸). تفاوت موجود میان این دو قرائت، مربوط به تفاوت دو باب مختلف در ثلاثی مجرد است و تفاوت معنایی ایجاد نمی‌کند.

۱۰. آیه ۴۶ سوره غافر: «التَّائِبُ يُغْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»: «در عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام در آن عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا شود می‌گوید: آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید». در قرائتی که از ابان به نقل از عاصم ذکر شده فعل «أَدْخِلُوا» به صورت «أَدْخِلُوا» قرائت شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۴۱). تفاوت حاصل به تفاوت ابواب این دو فعل برمی‌گردد. در قرئت حفص «أَدْخِلُوا» فعل امری است از باب افعال که ثلاثی مزید است و در قرائت ابان، فعل امر از ثلاثی مجرد «دَخَلَ يَدْخُلُ» ساخته شده است. بر اساس قرائت ابان، ترجمه این گونه خواهد بود: ای آل فرعون وارد بر شدیدترین عذاب‌ها شوید.

۱۱. آیه ۶۸ سوره یس: «وَمَنْ نَعْمِرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ»: «هرکس را طول عمر دهیم در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم آیا اندیشه نمی‌کنند؟» ابان از عاصم روایت کرده که فعل «نُنَكِّسْهُ» را به صورت «نُنَكِّسْهُ» قرائت می‌کرد (فارسی، ۱۴۱۳: ۶/۴۵). به عبارتی فعل مذکور از باب تفعیل به باب افعال تغییر پیدا کرده است.

۱۲. آیه ۹۴ سوره صافات: «فَأَقْبِلُوا إِلَيْهِ يَرْفُونَ»: «آنها با سرعت به او روی آورند». ابان بن تغلب قرائت «يَرْفُونَ» را به جای «يَرْفُونَ» از عاصم نقل کرده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۶/۴۰۱). تغییری که با این قرائت ایجاد شده آن است که فعل، از ثلاثی مجرد به باب افعال ثلاثی مزید منتقل شده است.

۱۳. آیه ۱۳ سوره حجر: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»: «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید». ابان قرائت «لِتَعَارَفُوا» که ثلاثی مجرد است را به جای «لِتَعَارَفُوا» که در باب تفاعل است به نقل از عاصم روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۵۳).

۱۴. آیه ۱۱ سوره نجم: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ»: «قلب در آنچه دیده هرگز دروغ نگفت». ابان فعل «كَذَبَ» را به صورت مشدّد یعنی «كَذَّبَ» از عاصم نقل کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۸۶). یعنی از ثلاثی مجرد به باب تفعیل ثلاثی مزید تغییر یافته است که می‌تواند مفهوم مبالغه در نفی را به همراه داشته باشد.

۱۵. آیه ۷ سوره قیامة: «فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ»: «در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت به گردش درآید». نقل شده که ابان بن تغلب بر اساس قرائت عاصم فعل «بَرِقَ» را به صورت «بَرَقَ» قرائت می‌کرد (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۹۵). تفاوت این دو قرئت، مربوط به دو باب مختلف در ثلاثی مجرد است. در تفاوت معنایی این دو فعل مطالبی مطرح شده است از جمله اینکه بر اساس قرائت حفص، «بَرَقَ» به معنای تاریکی نور چشم و یا شکافتن چشم است در حالی که «بَرِقَ» به معنای بسته شدن چشم هنگام مرگ و یا باز شدن آن به هنگام مشاهده ملک الموت است (ماوردی، بی تا، ۱۵۲/۶).



پنج. تفاوت در صیغه فعل

گاهی قرائاتی که ابان بن تغلب از عاصم نقل کرده صرفاً از جهت صیغه فعل با قرائت حفص اختلاف دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱. آیه ۲۳۰ سوره بقره: «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»: «اینها حدود الهی است که خدا آن را برای گروهی که آگاهند بیان می‌نماید». در قرائتی که ابان از عاصم نقل کرده فعل «يُبَيِّنُهَا» صورت «تُبَيِّنُهَا» روایت شده است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۶/۴۵۰). در این قرائت فعل متکلم مع الغیر جایگزین فعل مفرد مذکر غایب شده است و از آنجا که هردو به خداوند باز می‌گردد تفاوت مفهومی خاصی ایجاد نمی‌کند؛ چرا که در فعل غایب، فاعل «الله» است و در فعل متکلم هم سخن از زبان خداوند نقل شده است. فخررازی معتقد است ذکر فعل به صورت متکلم من باب تعظیم است (همان).

۲. آیه ۱۳ سوره آل عمران: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيِ الْعَيْنِ»: «در دو گروهی که در میدان جنگ بدر با هم روبرو شدند نشانه‌ای برای شما بود. یک گروه در راه خدا نبرد می‌کرد و جمع دیگری که کافر بود در راه شیطان در حالی که آنها با چشم خود دو برابر آن چه بودند، می‌دیدند». در قرائت ابان از عاصم فعل «يَرَوْنَهُمْ» به صورت «تَرَوْنَهُمْ» قرائت شده؛ یعنی فعل جمع مذکر مخاطب جایگزین جمع مذکر غایب شده است (طوسی، بی‌تا، ۴۰۷/۲). در هر دو صورت معنای عبارت تغییر نمی‌کند؛ چرا که در قرائت حفص، فاعل «یرون» مسلمانان هستند یعنی مسلمانان کافران را دو برابر خود می‌دیدند. در قرائت ابان روی سخن با مسلمانان است که شما، کافران را دو برابر خود می‌دیدید. البته برخی فاعل فعل «یرونهم» را یهود مدینه می‌دانند و به شأن نزول آیه که گفتگوی میان پیامبر و یهودیان مدینه پس از پیروزی در جنگ بدر بود استناد می‌کنند (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱/۴۰۶).

۳. آیه ۴۶ سوره انفال: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعْتَشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»: «و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود». منقول است ابان از عاصم قرائت «يَذْهَبَ» را به جای «تَذْهَبَ» روایت کرده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲/۵۳۶). در قرائت ابان از فعل مفرد مؤنث غایب به جای مفرد مذکر غایب استفاده شده و دلیل آن تفاوت دیدگاه‌ها درباره مذکر و مؤنث بودن «ریح» است؛ چنانکه برخی ریح را به معنای «قوة» در نظر گرفته و مؤنث محسوب کرده‌اند و گروهی معادل «النصر» دانسته و مذکر به‌شمار آورده‌اند (همان).

۴. آیه ۲۱ سوره یونس: «وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ صَرَاءٍ مَسْئُهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرُفِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ»: «هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسیده رحمتی بپشانیم در آیات ما نیرنگ می کنند بگو خداوند سریع تر از شما مکر می کند و رسولان ما آنچه نیرنگ می کنید، می نویسند». ابان از عاصم، قرئت «يَمْكُرُونَ» را به جای «تَمْكُرُونَ» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۲۳/۲). در این قرئت فعل جمع مذکر غایب به جای جمع مذکر مخاطب ذکر شده است یعنی «به درستی پیامبران ما آنچه نیرنگ می کنند را می نویسند». این قرئت از جهتی با ضمائر غایب «هم» که دوبار در آیه تکرار شده تناسب دارد.

۵. آیه ۳ شوری: «كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»: «این گونه خداوند عزیز و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می کند». ابان از عاصم قرئت «يُوحِي» را به جای «يُوحِي» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۸/۴). در این قرئت، فعل از مفرد مذکر غایب که مراد «الله» است به فعلی در صیغه متکلم مع الغیر تبدیل شده است که در اینجا نیز فاعل خداوند است و تغییری بنیادی در لایه ایجاد نمی کند: «و ما این گونه به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی کردیم».

۶. آیه ۲۵ سوره محمد: «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ»: «شیطان اعمال زشت شان را در نظرشان زینت داده و آن را با آرزوهای طولانی فریفته است». قرآتی که از ابان نقل شده «أَمْلَى» به جای «أَمْلَى» است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۲۱/۴). در این قرئت فعل بدون تغییر در باب، در صیغه و البته زمان فعل تغییر یافته است. املی فعل مفرد مذکر غایب و ماضی در باب افعال است در حالی که املی فعل متکلم و حده مضارع در باب افعال است. بر اساس قرئت ابان ترجمه عبارت این گونه خواهد بود: «و شیطان اعمال زشت شان را در نظرشان زینت داده و من به آنها مهلت می دهم».

۷. آیه ۱۰ سوره فتح: «وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»: «و آن کس که نسبت به عهده‌ای که با خدا بسته وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد». از ابان بن تغلب قرئت «فَسَيُؤْتِيهِ» به جای «فَسَيُؤْتِيهِ» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۳۰/۴). در این قرئت فعل متکلم مع الغیر که فاعل آن خداوند است جایگزین فعل غایب شده که باز هم فاعل خداوند است: «به زودی پاداش عظیمی به او خواهیم داد».

۸. آیه ۱۸ سوره حجرات: «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»: «خداوند نهان آسمانها و زمین را می داند و خداست که به آنچه انجام می دهید بیناست». ابان فعل «تَعْمَلُونَ» را



به صورت «يَعْمَلُونَ» قرائت می‌کرد (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۳۳۰) در این قرائت فعل جمع مذکر غایب به جای جمع مذکر مخاطب آمده و بر اساس آن ترجمه عبارت پایانی آیه این گونه خواهد بود: «خداست که به آنچه انجام می‌دهند بیناست».

شش. افعال با ریشه متفاوت

آنچه در موارد فوق مورد بررسی قرار گرفت، افعالی با ریشه یکسان بود، لکن یک قرائت از ابان بن تغلب نقاشی شده که از لحاظ ریشه واژه با قرائت حفص متفاوت است:

آیه ۲۵۹ سوره بقره: «وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ تُنْشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا»؛ «و به این استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم». ابان بن تغلب در قرائت خود از عاصم فعل «نُشِرُ» را به جای «نُشِرُ» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۲۳۵). ریشه فعل در این قرائت «نَشَرَ» به معنای زنده کردن است و بر اساس آن ترجمه عبارت این گونه می‌شود: «و به این استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را زنده می‌کنیم».

هفت. تفاوت در لهجه

در میان قرائت‌های منقول از ابان، قرائتی وجود دارد که تفاوت آن صرفاً به جهت تفاوت در لهجه میان اقوام مختلف عرب است: آیه ۲۳۳ سوره بقره: «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ»؛ «نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر». نقل شده که ابان به نقل از عاصم فعل «لَا تُضَارُّ» را به صورت «لَا تُضَارَّرُ» قرائت می‌کرد (نحاس، ۱۴۲۱: ۱/۱۱۶). این قرائت مختص اهل حجاز و بر مبنای لهجه آنهاست (مکی بن جموش، ۱۴۲۹: ۱/۷۸۰) و تفاوت معنایی میان دو قرائت وجود ندارد.

۲. قرائات متفاوت با حفص در اسامی

برخی از قرائاتی که از ابان به نقل از عاصم نقل شده در زمره اسامی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

- آیه ۲۵۱ سوره بقره: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»؛ «اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد قطعاً زمین تباه می‌گردید». نقل شده که ابان واژه «دَفْعُ» را به صورت «دِفَاع» قرائت می‌کرد (طوسی، بی‌تا: ۲/۲۹۹) و ترجمه این گونه خواهد بود: «اگر دفاع و حمایت خداوند از برخی در مقابل برخی دیگر نبود، قطعاً زمین فاسد می‌شد».

۱. آیه ۳۱ سوره نسا: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمٍ»
 «اگر از گناهان بزرگ که از آن نهی شده‌اید دوری گزینید بدی‌های شما را از شما می‌زداییم و شما را به مقام نیکو می‌رسانیم». در قرائت ابان از عاصم «مُدْخَلَ» به صورت «مَدْخَلَ» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۹۸/۱). «مُدْخَلَ» مصدر میمی و «مَدْخَلَ» اسم مکان است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۲/۵). ترجمه: «و شما را به مکانی ارجمند وارد می‌کنیم».

۲. آیه ۲۶ سوره اعراف: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا»: «ای فرزندان آدم لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست». نقل شده که ابان به جای «رِيشًا»، از واژه «ریاشًا» در قرائت خود استفاده می‌کرد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۰۹/۲). «ریاش» جمع «ریش» است (فراء، ۱۹۸۰: ۳۷۵/۱).

۳. آیه ۴۰ سوره اعراف: «وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ»
 «و وارد بهشت نمی‌شوند مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن رد شود». در قرائت ابان از عاصم واژه «جَمَلُ» به جای «جَمَلُ» استفاده شده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۱۲۰/۲). از آنجایی که «جَمَلُ» به معنای مجموعه‌ای از ریسمان‌هاست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۳/۱)، ترجمه عبارت فوق این‌گونه خواهد بود: «آنها وارد بهشت نمی‌شوند مگر اینکه مجموعه‌ای از ریسمان‌های قطور از سوراخ سوزن رد شود».

۴. آیه ۱۰۵ سوره اعراف: «حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ»: «سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم». در قرائت ابان از عاصم، واژه «علی» به صورت «عَلَى» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۲). بنا به گفته فراء «علی» در اینجا به معنای «باء» است در حالی که «عَلَى» یعنی بر من واجب است. (فراء، ۱۹۸۰: ۳۸۶/۱).

۵. آیه ۴۶ سوره توبه: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً»: «و اگر به راستی اراده بیرون رفتن داشتند قطعاً برای آن ساز و برگی تدارک می‌دیدند». ابان از عاصم قرائت «عِدَّة» را به جای «عُدَّة» نقل کرده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۰: ۴۰/۳).

۶. آیه ۱۲۳ سوره توبه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که نزدیک شما هستند پیکار کنید آنها باید در شما شدت و قدرت را احساس کنند». نقل شده که ابان به نقل از عاصم واژه «غِلْظَةً» را به صورت «غُلْظَةً» قرائت می‌کرد (ابن خالویه، ۱۴۱۳: ۲۵۸/۱). گفته شده که این تلفظ بر اساس لهجه بنی تمیم است (نحاس، ۱۴۲۱: ۱۲۸/۲).

۶. آیه ۱۰۶ سوره اسرا: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»: «و قرآنی که



- آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را بتدریج نازل کردیم». در قرائتی که ابان از عاصم نقل کرده، به جای واژه «مُکث» از «مُکث» استفاده شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۹/۳).
۷. آیه ۳۱ سوره کهف: «يُحْلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ»: «در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند». نقل شده که ابان به جای «آساور»، «آسورة» با فتح و او قرائت می کرد (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵۱۴/۳).
- پیداست که تفاوت این دو قرائت تفاوت میان دو واژه جمع و مفرد است. اساور جمع اسورة است.
۸. آیه ۹۶ سوره کهف: «آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا»: «قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید تا وقتی کاملاً میان دو کوه را پوشانید گفت: در آن بدمید». قرائت «صَدَفَيْنِ» به جای «صَدَفَيْنِ» از ابان به نقل از عاصم روایت شده است. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۲۷/۴).
۹. آیه ۱۴ سوره مومنون: «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا»: «و روی استخوان ها گوشت پوشانیدیم». در قرائت ابان، واژه «لِحَامًا» به جای «لَحْمًا» به کار رفته است (فارسی، ۱۴۱۳: ۲۸۸/۵). لحام جمع لحم است یعنی گوشت ها را بر روی استخوان ها پوشانیدیم.
۱۰. آیه ۳۵ سوره نور: «الزَّاجِعَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»: «همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد آن چراغ در حبایی قرار دارد حبایی شفاف و درخشنده هم چون یک ستاره فروزان که با روغن افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتون گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی». نقل شده که قرائت ابان از عاصم «دری» به جای «دُرِّي» بوده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۹۵/۳). گفته شده دریء که از ریشه درأ می آید به معنای درخشنده و تابان است (همان).
۱۱. آیه ۲۳ سوره نمل: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ»: «زنی را یافتیم که بر آنها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت». در قرائت ابان از عاصم واژه «کل» با تنوین جر یعنی به صورت «کُلِّ» روایت شده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۵۴۵/۳) بنابراین قرائت تنوین موجود در کل، تنوین عوض از مضاف الیه محذوف است که می توان واژه «ذلک» را در تقدیر قرار داد و این گونه ترجمه کرد «و از هر کدام از آنها چیزی به او داده شده بود».
۱۲. آیه ۴۹ سوره نمل: «ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ»: «سپس به ولی او خواهیم گفت ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم و ما قطعاً راست می گویم». در قرائت منقول از عاصم توسط ابان، واژه «مَهْلِكُ» به صورت «مَهْلَكُ» آمده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۶۶/۳). در قرائت حفص «مَهْلِكُ» اسم مکان یعنی محل هلاکت و در قرائت ابان «مَهْلَكُ» مصدر است و بر اساس آن این گونه ترجمه می شود: «ما از هلاکت خانواده اش خبر نداشتیم».
۱۳. آیه ۵۷ سوره قصص: «أَوَلَمْ تُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا»: «آیا

آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی که رزقی از جانب ماست به سوی آن سرازیر شود؟». در قرائت ابان از عاصم «ثُمَرَات» به جای «ثَمَرَات» روایت شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۹۳/۴) که گویا صرفاً تفاوت در لهجه است.

۱۴. آیه ۲۹ سوره زمر: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا؟» خداوند مثلی زده است: مردی است که چند خواجه ناسازگار در مالکیت او شرکت دارند و مردی است که تنها فرمانبردار یک نفر است.». از ابان بن تغلب به نقل از عاصم دو قرائت برای واژه «سَلَمًا» نقل شده است: ۱. قرائت «سالمًا» (فارسی، ۱۴۱۳: ۹۴/۶)؛ ۲. قرائت «سلماً» (طوسی، بی تا، ۲۹۷/۳). سالم اسم فاعل و «سَلَمَ» مصدر است که از ریشه «سَلَمَ» به معنای تسلیم بودن و در صلح و آشتی بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۱۲).

۱۵. آیه ۳۷ سوره واقعه: «عُزْبًا أَثَرَبًا؟» «زنانی که تنها به همسرانشان عشق می ورزند و خوش زبان و همسن و سال با آنها هستند». در قرائت منقول از ابان واژه «عُزْبًا» به جای «عُزْبًا» روایت شده است که لهجه قبیله بنی تمیم است (ابو حیان، ۱۴۲۰: ۸۲/۱۰).

۱۶. آیه ۹ سوره حاقه: «وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْحَاطَةِ؟» «و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و مردم شهری سرنگون شده مرتکب خطا شدند». از ابان بن تغلب نقل شده که «قَبْلَهُ» را به صورت «قَبْلَهُ» قرئت می کرد (ابن خالویه، ۱۴۱۳: ۳۸۵/۲). «مِنْ قَبْلَهُ» یعنی سپاهیان و پیروانش (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۵۸/۵) و بر اساس آن ترجمه این گونه خواهد بود: «و فرعون و سپاهیان و مردم شهری سرنگون شده مرتکب خطا شدند».

۳. تفاوت در ترکیب نحوی جمله

از میان قرائتی که از ابان بن تغلب به نقل از عاصم روایت شده و با قرائت حفص تفاوت دارد، یک قرائت، مربوط به جایگاه نحوی واژگان در جمله است: آیه ۲ سوره ابراهیم: «اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؟» «همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست». نقل شده که در قرائت ابان بن تغلب از عاصم کلمه جلاله «اللَّهُ» در ابتدای آیه به صورت مرفوع بوده است (رسعی، ۱۴۲۹: ۵۰۶/۳). در این قرائت واژه «اللَّهُ» مبتدا و مرفوع است و موجب می شود این آیه با جمله ای مستأنفه آغاز شود که از لحاظ نحوی ارتباطی با جمله قبل ندارد، اما در قرئت حفص واژه «اللَّهُ» به خاطر اینکه بدل از واژه «الْعَزِيزِ» است که در انتهای آیه قبلی آمده و مجرور است، مجرور شده است.



نتیجه گیری

قرائاتی که ابان بن تغلب از عاصم نقل کرده و با قرائت حفص از عاصم تفاوت دارد و در منابع شیعه و سنی ذکر شده، پنجاه و سه مورد است. البته این موارد صرفاً بخشی از قرائات ابان است، لکن ملاک این پژوهش صرفاً قرائات منقول از عاصم و متفاوت از حفص بوده است. از موارد احصا شده تنها یک قرائت مربوط به ساختار جمله است و مابقی به ساختمان واژه اختصاص دارد. از پنجاه و دو مورد باقیمانده، سی و چهار مورد فعل و هجده مورد اسم است. از سی و چهار مورد فعل، پانزده مورد تفاوت در باب، هشت مورد اختلاف در صیغه فعل، پنج مورد تفاوت در معلوم و مجهول بودن افعال، دو مورد تفاوت هم در صیغه و هم معلوم و مجهول، دو مورد تفاوت هم در باب و هم در معلوم و مجهول، یک مورد تفاوت در ریشه و یکی هم تفاوت در لهجه بوده است. برخی از این قرائات موجب تفاوت معنایی معنایی می‌شود، لکن برخی دیگر صرفاً اختلاف در لهجه است و یا اساساً تغییر معنایی ایجاد نمی‌کند.



فهرست منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، الجرح و التعديل، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٩٥٢م.
۲. ابن جزري، شمس الدين محمد، غاية النهاية في طبقات القراء، طنطا مصر: دارالصحابه للتراث، ٢٠٠٩م.
۳. ابن جنى، ابوالفتح، المحتسب فى تبين وجوه شواذ القرائات و الايضاح عنها، تحقيق: على نجدى ناصف، عبدالحليم نجار و عبدالفتاح اسماعيل شلبى، قاهره: المجلس الاعلى لشئون الإسلاميه، ١٤١٥ق.
۴. ابن جوزي، عبدالرحمان بن على، زاد المسير فى علم التفسير، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٢٢ق.
۵. ابن جوزي، عبدالرحمان بن على، كتاب الضعفاء و المتروكين، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٦ق.
۶. ابن خالويه، حسين بن احمد، اعراب القرائات السبع و عللها، قاهره: مكتبة الخانجى، ١٤١٣ق.
۷. ابن خلكان، محمد بن ابراهيم، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، بيروت: دار صادر، بى تا.
۸. ابن عطيه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٢٢ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دارصادر، ١٤١٤ق.
۱۰. ابن نديم، ابوالفرج محمد بن اسحاق، الفهرست، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٧ق.
۱۱. ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٠ق.
۱۲. اندلسى، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، تحقيق: محمد جميل صدقى، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٠ق.
۱۳. بنا، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر، تحقيق: شعبان محمد اسماعيل، قاهره: مكتبه الأزهرية، ١٤٠٧ق.
۱۴. حلى، حسن بن يوسف، الرجال، نجف: مطبعة الحيدرية، ١٤١١ق.
۱۵. ذهبى، محمد بن احمد، ميزان الإعتدال، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ١٩٦٣م.
۱۶. ذهبى، شمس الدين، سير أعلام النبلاء، قاهره: دارالحديث، ١٤٢٧ق.
۱۷. رسعنى، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فى تفسير الكتاب العزيز، مكه: مكتبة الأسدى، ١٤٢٩ق.
۱۸. زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
۱۹. سمرقندى، نصر بن محمد، تفسير السمرقندى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٦ق.



۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، (نسخه موجود در نرم افزار جامع التفاسیر)، بی تا.
۲۱. صافی، محمود، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق: دارالرشید، ۱۴۱۸ق.
۲۲. طباطبائی، سیدم حمدحسین، قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن: دارالکتاب اشقافی، ۲۰۰۸م.
۲۴. طوسی، محمدبن حسن، الفهرست، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
۲۷. فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقرآء السبعة، بیروت: دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۳ق.
۲۸. فخر رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۹. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰م.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۱. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۵ق.
۳۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۴. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳۵. مدنی، محمدحسین، میراث قرآنی ابان بن تغلب، قم: دارالحديث، ۱۳۹۴ش.
۳۶. مصلح القضاء، محمد احمد و دیگران، مقدمات فی علم القرائات، عمان: دارعمان، ۱۴۲۲ق.
۳۷. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۸ش.
۳۸. مکی بن حموش، الهدایة الی بلوغ النهایه، شارجه: جامعة الشارقة، ۱۴۲۹ق.
۳۹. موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۰ش.
۴۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۴۱. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۴۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، بیروت: معجم الأدباء، دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۳م.

Resources

1. Abu Hayyan, Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Comprehensive Ocean in Exegesis)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
2. Andalusi, Abu Hayyan Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir (The Comprehensive Ocean in Interpretation)*, Researched by Mohammad Jameel Sadiqi, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
3. Ayyashi, Mohammad Bin Mas'ud, *Kitab al-Tafsir*, Researched by Sayyid Hashim Rasouli Mahallati, Tehran: Chapkhaneh Ilmiyyeh, 1380 SH (2001 CE).
4. Banna, Ahmed Bin Mohammad, *Ittihaf Fudala' al-Bashar (The Attendance of the Elite of Mankind)*, Researched by Shaban Mohammad Ismail, Cairo: Maktabah al-Azhariyyah, 1407 AH (1987 CE).
5. Dhahabi, Mohammad Bin Ahmad, *Mizan al-I'tidal (The Balance of Justice)*, Beirut: Dar al-Ma'arif lil-Tiba'ah wa al-Nashr, 1963 CE.
6. Dhahabi, Shams al-Din, *Siyar A'lam al-Nubala (Biographies of Noble Figures)*, Cairo: Dar al-Hadith, 1427 AH (2006 CE).
7. Fadli, Abdul Hadi, *Al-Qira'at al-Qur'aniyyah (The Quranic Readings)*, Beirut: Dar al-Qalam, 1405 AH (1985 CE).
8. Fakhr al-Razi, Mohammad Bin 'Umar, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unknown)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
9. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ayn*, Qom: Nashr-e Hijrat, 1409 AH (1989 CE).
10. Farra, Yahya Bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran (The Meanings of the Quran)*, Egypt: Al-Hay'ah al-Misriyyah al-'Amah lil-Kitab, 1980 CE.
11. Farsi, Hassan Bin Ahmad, *Al-Hujjah li al-Qurra al-Sab'ah (The Proof for the Seven Reciters)*, Beirut: Dar al-Ma'mun lil-Turath, 1413 AH (1992 CE).
12. Helli, Hassan Bin Yusuf, *Al-Rijal (The Narrators' Evaluation Science)*, Najaf: Matba'at al-Haidariyyah, 1411 AH (1990 CE).
13. Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman Bin Mohammad, *Al-Jarh wa al-Ta'dil (The Criticism and Authentication)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1952 CE.
14. Ibn Atiyyah, Abdul Haq Bin Ghaleb, *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (The Concise Elucidation in the Interpretation of the Noble Book)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1422 AH (2001 CE).
15. Ibn Jazari, Shams al-Din Mohammad, *Ghayat al-Nihayah fi Tabaqat al-Qurra (The Ultimate Aim Concerning the Categories of Reciters)*, Tanta, Egypt: Dar al-Sahabah li al-Turath, 2009 CE.
16. Ibn Jinni, Abu al-Fath, *Al-Muhtasib fi Tabayin Wujuh Shawa'iz al-Qira'at wa al-Izah 'Anha (The Accountant in Explaining the Oddities of Recitations and Their*

- Clarifications*), Edited by Ali Najdi Nasif, Abdel Halim Najjar, and Abdel Fattah Ismail Shalabi, Cairo: Al-Majlis al-A'la li Shu'un al-Islamiyya, 1415 AH (1994 CE).
17. Ibn Juzayy, Abd al-Rahman Bin Ali, *Kitab al-Du'afa' wa al-Matrukin (The Book of Weak Narrators and Abandoned Ones)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1406 AH (1986 CE).
 18. Ibn Juzayy, Abd al-Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir (The Provisions of the Journey in the Science of Interpretation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
 19. Ibn Khalawayh, Hussein Bin Ahmad, *A'rāb al-Qirā'āt al-Sab' wa 'Ilalihā (The Grammar of the Seven Recitations and Their Causes)*, Cairo: Maktabat al-Khanji, 1413 AH (1992 CE).
 20. Ibn Khallikan, Mohammad Bin Ibrahim, *Wafayat al-A'yan wa Anba' Abna' al-Zaman (Deaths of Eminent Men and the Children of the Epoch)*, Beirut: Dar Sader, n.d.
 21. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Beirut: Dar Sader, 1414 AH (1994 CE).
 22. Ibn Nadim, Abu al-Faraj Mohammad Bin Ishaq, *Al-Fihrist (The Bibliography)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1417 AH (1996 CE).
 23. Ma'refat, Mohammad Hadi, *Tafsir va Mufasssiran (Exegesis and Exegetes)*, Qom: Entesharat Tamhid, 1388 SH (2009 CE).
 24. Maki Bin Hamoush, *Al-Hidayah ila Bulugh al-Nihayah (The Guide to Achieving the Ultimate Goal)*, Sharjah: Jamiat al-Sharjah, 1429 AH (2008 CE).
 25. Mawardi, Ali Bin Mohammad, *Al-Nukat wa al-'Uyun fi Tafsir al-Mawardi*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
 26. Mousavi Khwansari, Mohammad Baqir, *Rawadat al-Jannat fi Ahwal al-Ulama' wa al-Sadat (The Gardens of Paradise in the Conditions of Scholars and Nobles)*, Qom: Entesharat Ismailian, 1390 SH (2011 CE).
 27. Mudarris, Mohammad Husayn, *Mirath-e Qor'ani-e Aban Bin Taghlab (The Quranic Heritage of Aban Bin Taghlab)*, Qom: Dar al-Hadith, 1394 SH (2015 CE).
 28. Muslih al-Qazah, Mohammad Ahmad et al., *Muqaddimat fi Ilm al-Qira'at (Introductions in the Science of Readings)*, Oman: Dar Oman, 1422 AH (2001 CE).
 29. Nahhas, Ahmad Bin Mohammad, *I'rāb al-Quran (The Grammar of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1421 AH (2000 CE).
 30. Najashi, Ahmad Bin Ali, *Rijal al-Najashi*, Qom: Jame'eh Modarresin, 1407 AH (1986 CE).

31. Qarashi, Sayyid Ali Akbar, *Qamus al-Quran (The Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah, 1386 SH (2007 CE).
32. Qurtubi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Jami' li Ahkam al-Quran (The Comprehensive Collection of Judgments in the Quran)*, Tehran: Intisharat Naser Khosrow, 1364 SH (1985 CE).
33. Rassani, Abdul Razzaq Bin Rizqullah, *Rumuz al-Kunuz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (Symbols of Treasures in the Interpretation of the Noble Book)*, Mecca: Maktabat al-Asadi, 1429 AH (2008 CE).
34. Safi, Mahmoud, *Al-Jadwal fi A'rāb al-Quran (The Table for the I'rab of the Quran)*, Damascus: Dar al-Rashid, 1418 AH (1998 CE).
35. Samarkandi, Nasr Bin Mohammad Bin Ahmad, *Bahr al Ulum (The Sea of Sciences)*, n.d. (Available version in the Comprehensive Interpretation Software), n.d.
36. Samarkandi, Nasr Bin Mohammad, *Tafsir al-Samarkandi*, Beirut: Dar al-Fikr, 1416 AH (1996 CE).
37. Tabarani, Sulaiman Bin Ahmad, *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Quran al-Azim (The Grand Interpretation: The Interpretation of the Great Quran)*, Jordan: Dar al-Kitab Ash-Shafi, 2008 CE.
38. Tabatabai, Sayyid Mohammad Husayn, *Quran dar Islam (The Quran in Islam)*, Qom: Bustan-e Ketab, 1388 SH (2009 CE).
39. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Fihrist (The*
40.
41. *Bibliography)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1417 AH (1996 CE).
42. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
43. Yaqut al-Hamawi, Shihab al-Din Abu Abdullah, *Mu'jam al-Udaba (Biography of the Litterateurs)*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1993 CE.
44. Zarkashi, Mohammad Bin Abdullah, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Clear Evidence in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1410 AH (1989 CE).